

تاریخ امتحان: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

زمان امتحان: ۳۰ دقیقه

پایه: هشتم

نام آموزشگاه: طراوت

نوبت: اول

متن املاء پایه هشتم

به مورچه و کوچکی جثه آن بنگر که چگونه عظمت خلقت او با چشم و اندیشه انسان درک نمی شود .
خفاش در روز پلک ها را بر سپاهی دیده ها می اندازد و شب را چونان چراغی برمی گزیند تا در پرتو تاریکی آن روزی
خود را جست جو کند .
منجاقک به مرداب که از زندگی آرام و یک نواختش راضی بود نگاه کرد قلبش از درد فشرده شد .
جوانه با تعجب به اطراف نگاه کرد تا سرچشمه این آب دلپذیر را پیدا کند اما ناگهان برجای خود خشکش زد .
تویی که بر قر و فروغ ایران خواهی افزود و چشم جهانیان را به خیرگی خواهی کشاند .
شاگرد بی اعتنا به درخواست استاد او را رها کرد و کوشید در کارگاه خود برای رقابت با استاد مرغوب ترین کوزه ها را
بسازد .
زندگی کردن به یادگیری اصول و روش هایی نیاز دارد زندگی یک سفر است .
بهبول گفت تو دعوی دانایی می کردی اکنون که به نادانی خود معترف شدی تو را بیاموزم .
وقتی جولاهه ای به وزارت رسیده بود هر روز بامداد برخاستی و کلید برداشتی و در خانه باز کردی و تنها در آنجا شدی
و ساعتی در آنجا بودی .
در نوجوانی هرگز در خیال کسی نمی گنجد که در آینده به انسانی بی عاطفه و بد اخلاق تبدیل شود. تصور همه از آینده
یک زندگی آرمانی منطقی و سرشار از عشق و انسانیت است .
جنید بغدادی گفت : به قدر فهم مستعلمان سخن می گویم .